

بررسی عوامل مؤثر طلاق در شهر بوشهر طی سال های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۳

اسماعیل عبدالهی^۱ نرگس صداقت^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

چکیده

طلاق یک مسئله اجتماعی در برگیرنده انحلال قانونی ازدواج می‌باشد، به لحاظ تأثیرات گسترده بر جامعه و همچنین دگرگونی ساختار خانواده حائز اهمیت بسزایی می‌باشد این تحقیق با توجه به روند رو به رشد نرخ طلاق در بوشهر به دنبال پاسخ به این سؤال است که عوامل مؤثر در افزایش طلاق زوجین در شهر بوشهر کدام اند؟

این پژوهش از منظر جامعه شناختی، روان شناختی و زیست شناختی این پدیده را مورد بررسی قرار داده است در چهارچوب نظری پژوهش از نظریه های همسان همسری، شبکه، مبادله، منزلت اجتماعی، سیستمی خانواده، دلبستگی و ... استفاده شده است. روش پژوهش توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه زوجینی که واقعه طلاقشان در دفاتر ثبت طلاق شهر بوشهر در سال های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۳ ثبت گردیده، بوده است که تعداد ۲۰۲۰ زوج است. حجم نمونه با قرار دادن این عدد در فرمول کوکران تعداد ۱۵۸ زوج از آنان به طور تصادفی ساده انتخاب شد.

تکنیک و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه ای است که از تلفیق چند پرسشنامه استاندارد و میزان شده در تحقیقات پیشین ساخته شده است که دارای اعتبار صوری و اعتماد (ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹) می‌باشد یافته‌های پژوهش نتایج چنین بدست آمده است.

در بررسی فرضیه ها دریافت شد که با توجه به $p < 0/001$ بین متغیرها با پدیده طلاق رابطه معناداری وجود دارد. که از نظر زوجین مهم ترین عوامل در گرایش به طلاق رسانه‌ها و فیلم های ماهواره ای، اعتیاد به مواد مخدر عدم تناسب قومیتی، شبکه های اجتماعی، اختلاف فرهنگی، دخالت بی جای اطرافیان، عدم آزادی و اختیار در انتخاب همسر و دوستیای نا متعارف روابط قبل از ازدواج، عدم تفاهم زوجین و عدم درک متقابل است.

کلید واژه : طلاق، دخالت اطرافیان، شبکه اجتماعی، اعتیاد، عدم تناسب قومیتی

Email: dr.abdollahi2009@yahoo.com

Email: lawyersedaghat@gmail.com

^۱ - استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

^۲ - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات بوشهر

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده از قدیمی ترین نهادهای زندگی بشر است که از دیرباز مورد توجه متفکرین علوم اجتماعی، علوم اخلاقی، علمای مذهبی و سایر دانشمندان قرار گرفته است. در دهه های اخیر به علت پیچیدگی امور مربوط به ازدواج، دامنه ی مسائل مربوط به آن به قلمروهای علوم دیگری همچون حقوق، اقتصاد و جمعیت شناسی کشیده شده است. (مهدوی، ۱۳۷۷: ۴۵)

پدیده طلاق، در جامعه امروز به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی مطرح می شود که در تغییر و تحولات گوناگون فرهنگی، اجتماعی، زیستی و ... دارد که با پیچیده تر شدن زندگی امروز، سطح آن نیز شدت یافته است. این پدیده از نظر زمانبندی، تغییراتی در ماهیتش بروز کرده و اینک منحل شدن ازدواج ها، در مراحل ابتدایی زندگی زناشویی رو به گسترش است. بسیاری از روان شناسان و متخصصان مشاور خانواده، ناهنجاریها و اختلاف های زوجین در مسائل عاطفی و جنسی را یکی از عوامل جدی و قابل توجه افزایش آمار طلاق در کشور می دانند و افزایش این ناهنجاری ها و اختلاف ها زنگ خطری برای تحکیم خانواده توصیف می کنند. (آینده بان، ۱۳۹۳، ۵۴)

بررسی پدیده ی طلاق در شهر بوشهر به آن جهت حائز اهمیت است که حکایت از وضعیت نگران کننده رشد نرخ این پدیده اجتماعی در سالهای اخیر در این شهر دارد. علاوه بر این آمارها نشان می دهد که استان بوشهر بالاترین نرخ رشد را در بین استان های کشور به خود اختصاص داده است. نگاهی به آمارهای طلاق سال های اخیر در شهر بوشهر گواه این مدعاست.

یکی از مقامات عالی رتبه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می گوید که بیشترین دلیل طلاق دخالت خانواده ها، عدم تحقق شروط ضمن عقد، اعتیاد و فقر مالی برآورده شده است. این در حالی است که وزیر کشور عامل ۵۰ درصد از طلاق های کشور را اعتیاد می داند. در سال ۹۲ تهران با کاهش ۳/۱ درصدی ازدواج مواجه بوده است. همچنین بیشترین رشد طلاق در بوشهر با ۱۵/۶ درصد کمترین میزان طلاق در فارس با کاهش ۱۵/۳ درصد نرخ داده است. (روزنامه همشهری، ۱۳۹۲)

آمار طلاق در حالی چنین رو به افزایش گذاشته است که دختران و پسران ایران در هیچ بخشی از کودکی و نوجوانی خود آموزش منسجم و استاندارد دربارۀ نحوه برخورد اجتماعی، جنس مخالف خود، گرچه همسرشان باشد و چه نباشد- نمی بینند و این مساله همچنان به صورت یک امر رازآلود در نهان کودک و نوجوان و همچنین مساله ای که گفت و گو درباره آن زشت و ناپهناک است، در چارچوب خانواده باقی می ماند. در عین

حال هیچ نهادی در قبال تشکیل، آموزش و تداوم خانواده پاسخگو نیست، حال این تحقیق که به بررسی عوامل طلاق در شهر بوشهر می پردازد پس از شناخت این عوامل به ارائه راهکارهای مناسب جهت کاهش و کنترل این مسئله اجتماعی می پردازد. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که عوامل مؤثر در طلاق شهر بوشهر کدام است؟ که پس از شناخت این عوامل به ارائه راهکارهای مناسب جهت کاهش و کنترل این مسئله اجتماعی می پردازد.

چهارچوب نظری تحقیق

نظریه مبادله اجتماعی

انسان ها همواره در زندگی خود با دیگران در ارتباط متقابل هستند و سعی می کنند که در این ارتباط برای خود نفعی به دست آورند. هر گونه ارتباط با دیگران در حکم نوعی مبادله است. نظریه مبادله، سعی دارد نشان دهد که رفتار بر حسب پاداش هایی که دریافت کرده و هزینه هایی که به همراه می آورد، تغییر می کند (جلیلیان، ۱۳۷۵: ۴۴) تشویق کردن زن و شوهر از یکدیگر که به منزله ی نوعی پاداش است به رضایت طرفین و ارتقای کارایی آن ها منجر می شود و در حفظ و استمرار پیوند زناشویی مؤثر است (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۲۹۱) برعکس چنانچه سطوح ارتباطی بین زوجین اندک باشد و یا به عبارتی تعاملات و تبادلات بین زوجین به حداقل برسد ملاکی برای نارضایتی آن ها، به حساب می آید و در نتیجه میل به طلاق افزایش می یابد. (میلانی فر، ۱۳۷۲: ۱۰۸)

نظریه همسان همسری

این نظریه، استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی های همسان میان زن و شوهر می داند. همسانی یا کفویت دختر و پسر داوطلب ازدواج، از شرایط مهم زندگی موفقیت آمیز زناشویی است، این ملاک در متون اسلامی و جامعه شناسی خانواده تأکید شده است. (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۶۸) همسانی و متابعت در برانگیختن عواطف مثبت، انس و دلبستگی زن و شوهر به هم و سازگاری آن ها نقش مهمی دارد. (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۲۶۱) همسانی به توافق در علایق، طرز تفکر نسبت به امور خانوادگی از جمله مسائل جنسی، مسائل اقتصادی، اداره خانواده و شیوه فرزندداری کمک می کند و این امور از عوامل اصلی زندگی موفق است. (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۲۹۶).

نظریه ی کاشت

بر اساس این نظریه تصاویر رسانه‌ها در طرح‌واره‌ی شناختی و اکتشافی در می‌آمیزد و در طول فرآیند شکل‌گیری هویت، ارزیابی خود، نسبت دادن و مقایسه‌ی اجتماعی یادآورده می‌شوند. بدین ترتیب می‌توان گفت نفوذ برنامه‌های ماهواره‌ای در قوت بخشیدن به ارزش‌هایی هم‌چون مادی‌گرایی، فردگرایی، آزادی‌های نامحدود و کامیابی به هر قیمت، مؤثر می‌باشد که باعث تغییر ارزش‌های سنتی و اه ایجاد تضاد ارزشی در بین زوجین به واسطه‌ی تغییر ارزش‌ها در یکی از زوجین خواهد شد و احتمال ناپهنجاری‌های مختلفی نظیر طلاق را افزایش خواهد داد. (قادرزاده، ۱۳۹۱: ۱۰۶)

روش پژوهش

این پژوهش یک تحقیق کمی است. از بعد هدف این تحقیق از نوع کاربردی به حساب می‌آید چون هدف آن کاربرد در یک حوزه خاص یعنی بررسی عوامل مؤثر در طلاق شهر بوشهر است. همچنین روش تحقیق توصیفی - پیمایشی (علی از نوع پس از وقوع) و به صورت مقطعی می‌باشد.

جامعه آماری تحقیق حاضر عبارتند از: کلیه زوجین طلاق گرفته که به دفاتر طلاق شهر بوشهر طی بازه زمانی ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۳ مراجعه نموده‌اند، می‌باشد. این تعداد شامل ۲۰۲۰ زوج که ۵۹۰ زوج از آن‌ها مربوط به سال ۱۳۹۰ و ۶۰۸ زوج که مربوط به سال ۱۳۹۱، و ۸۲۲ زوج مربوط به سال ۱۳۹۲ می‌باشد.

پس از تعیین تعداد زوجین در جامعه آماری که ۲۰۲۰ زوج بود، حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان محاسبه گردید که حجم نمونه محاسبه شده برابر با ۳۱۵ نفر (۱۵۸ زوج) بدست آمده است.

روش نمونه‌گیری این پژوهش تصادفی ساده بوده است، بدین ترتیب که محقق پس از بدست آوردن لیست کامل زوجین مطلقه مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۳ و تهیه لیست کامل آنان به صورت کاملاً تصادفی تعداد ۱۵۸ زوج را انتخاب و پرسشنامه‌های تحقیق را روی آنان اجرا نمود.

در این تحقیق جهت گردآوری داده‌ها از روش میدانی و پرسشنامه به صورت لیکرت طیف ۵ استفاده شده است. برای بررسی اعتبار و روایی محتوایی، پرسشنامه به اساتید راهنما و مشاور و متخصصان مسائل اجتماعی ارائه گردید و بر اساس پیشنهادات آنان گویه‌ها اصلاح و بازنگری شد. از روش آلفای کرونباخ نیز برای سنجش پایایی مقیاس استفاده می‌شود و گویه‌هایی که ضریب آلفای کرونباخ در آنان زیر ۰/۷ باشند، به عنوان گویه‌های ناپایا حذف می‌شوند. در واقع آلفای کرونباخ، همگونی بین گویه‌ها را می‌سنجد.

برای بررسی پایایی پرسشنامه تحقیق ابتدا نمونه‌ای شامل ۱۵۹ پرسشنامه در بین زوجین مطلقه به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند، توزیع گردید (پیش‌آزمون) سپس از طریق نرم افزار SPSS-۲۰ پایایی آن محاسبه

شد که میزان آلفای محاسبه شده ۰/۸۹ بدست آمد که این عدد نشان دهنده ی این است که پرسشنامه ی مذکور از پایایی بالایی برخوردار است.

یافته های پژوهش

این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در شهر بوشهر می پردازد به منظور تجزیه و تحلیل داده ها در بخش توصیفی از جداول فراوانی ، درصد فراوانی ، میانگین ، انحراف معیار و در بخش استنباطی فرضیه ها و سوالات تحقیق با استفاده از آزمون های آمار استنباطی از جمله، آزمون خی دو تحلیل واریانس یک راهه، تحلیل واریانس چند متغیره و آزمون t برای گروههای مستقل استفاده گردید.

سؤال اول: کدام یک از عوامل مؤثر بر طلاق از اهمیت بالاتری برخوردار هستند؟

جهت پاسخگویی به این سؤال از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول ذیل نشان داده شده است :

جدول تعیین اولویت عوامل مؤثر در افزایش طلاق

آماره متغیر	میانگین رتبه ها	میانگین	خطای استاندارد
عوامل جامعه شناختی	۲/۳۰	۷۹/۵	۵۰
عوامل روان شناختی شناختی	۲/۵۳	۷۹/۵	۵۰
عوامل زیست شناختی	۱/۱۷	۱۵۹	۱۰۰

$$\chi^2=172/20$$

$$df=2$$

$$P < 0/001$$

نتایج نشان می دهد که بین عوامل مؤثر در افزایش طلاق تفاوت معنی دار وجود دارد ($\chi^2=172/20$) ، $P < 0/001$. نتایج نشان می دهد که مهمترین عامل به ترتیب اولویت عوامل روانشناختی با میانگین رتبه (۲/۵۳)، عوامل جامعه شناختی با میانگین رتبه (۲/۳۰) و عوامل زیست شناختی با میانگین رتبه (۱/۱۷) بوده است.

سؤال دوم: کدام یک از عوامل جامعه شناختی مؤثر بر طلاق از اهمیت بالاتری برخوردار هستند؟

جهت پاسخگویی به این سؤال از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول ذیل نشان داده شده است:

جدول تعیین اولویت عوامل جامعه شناختی مؤثر در افزایش طلاق

ردیف	آماره متغیر	تعداد	میانگین رتبه ها	میانگین	خطای استاندارد
۱	رسانه‌ها و فیلم های ماهواره ای	۱۵۹	۷/۴۵	۴/۲۴	۰/۸۹
۲	عدم تناسب قومی	۱۵۹	۶/۷۹	۳/۹۸	۱/۱۶
۳	شبکه های اجتماعی	۱۵۹	۶/۴۹	۳/۸۹	۰/۹۷
۴	اختلاف فرهنگی و خانوادگی	۱۵۹	۶/۴۸	۳/۸۴	۱/۰۶
۵	دخالت اطرافیان	۱۵۹	۶/۴۴	۳/۸۶	۰/۸۵
۶	عدم آزادی و اختیار	۱۵۹	۵/۶۹	۳/۶۴	۱/۰۵
۷	دوستی های نا متعارف	۱۵۹	۵/۶۲	۳/۴۷	۱/۰۶
۸	تفاوت سطح تحصیلات	۱۵۹	۴/۳۸	۲/۹۶	۱/۰۹
۹	مسئولیت سنگین زندگی	۱۵۹	۲/۸۰	۲/۲۱	۰/۹۸
۱۰	ازدواج سنتی	۱۵۹	۲/۶۰	۲/۱۱	۰/۸۹

$$\chi^2=512/30$$

$$df=9$$

$$P < 0/001$$

نتایج نشان می‌دهد که بین عوامل جامعه شناختی موثر در افزایش طلاق تفاوت معنی دار وجود دارد ($\chi^2=512/30$ ، $P < 0/001$). نتایج نشان می‌دهد که مهمترین عامل به ترتیب اولویت عامل رسانه‌ها و فیلم های ماهواره ای با میانگین رتبه (۷/۴۵)، عامل عدم تناسب قومی با میانگین رتبه (۶/۷۹)، عامل شبکه های اجتماعی با میانگین رتبه (۶/۴۹)، اختلاف فرهنگی و خانوادگی با میانگین رتبه (۶/۴۸)، دخالت اطرافیان با میانگین رتبه (۶/۴۴)، عدم آزادی و اختیار با میانگین رتبه (۵/۹۶)، دوستی های نامتعارف با میانگین رتبه (۵/۶۲)، تفاوت سطح تحصیلات با میانگین رتبه (۴/۳۸)، مسئولیت سنگین زندگی با میانگین رتبه (۲/۸۰) و ازدواج سنتی با میانگین رتبه (۲/۶۰) در افزایش طلاق موثر بوده اند.

سؤال سوم: کدام یک از عوامل روان شناختی موثر بر افزایش طلاق از اهمیت بالاتری برخوردار هستند؟ جهت پاسخگویی به این سؤال از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول ذیل نشان داده شده است :

جدول تعیین اولویت عوامل روانشناختی موثر در افزایش طلاق

ردیف	آماره متغیر	تعداد	میانگین رتبه ها	میانگین	خطای استاندارد
۱	اعتیاد به مواد مخدر	۱۵۹	۶/۸۴	۴/۷۹	۰/۵۵
۲	روابط قبل از ازدواج	۱۵۹	۵/۲۶	۴/۴۱	۰/۹۶
۳	عدم تفاهم زوجین	۱۵۹	۴/۹۳	۴/۱۴	۰/۶۲۸
۴	عدم درک متقابل زوجین	۱۵۹	۴/۷۲	۴/۰۵	۰/۶۴
۵	مشکلات روانشناختی	۱۵۹	۴/۵۰	۴/۰۰	۰/۵۹
۶	ویژگی های شخصیتی	۱۵۹	۴/۱۵	۳/۸۲	۰/۷۸
۷	عدم شناخت کافی	۱۵۹	۳/۶۰	۳/۴۹	۱/۰۳
۸	عدم ارتباطات خویشاوندی	۱۵۹	۲/۰۰	۲/۷۲	۰/۹۱

$$\chi^2=428/91$$

$$df=7$$

$$P < 0/001$$

نتایج نشان می‌دهد که بین عوامل روان شناختی موثر در افزایش طلاق تفاوت معنی دار وجود دارد ($\chi^2=428/91$ و $P < 0/001$). نتایج نشان می‌دهد که مهمترین عامل به ترتیب اولویت عامل اعتیاد به مواد مخدر با میانگین رتبه (۶/۸۴)، عامل روابط قبل از ازدواج با میانگین رتبه (۵/۲۶)، عامل عدم تفاهم زوجین با میانگین رتبه (۴/۹۳)، عدم درک متقابل زوجین با میانگین رتبه (۴/۷۲)، مشکلات روانشناختی با میانگین رتبه (۴/۵۰)، ویژگی های شخصیتی با میانگین رتبه (۴/۱۵)، عدم شناخت کافی با میانگین رتبه (۳/۶۰) و عدم ارتباطات خویشاوندی با میانگین رتبه (۲/۰۰) در افزایش طلاق موثر بوده اند.

سؤال چهارم: کدام یک از عوامل زیست شناختی و جمعیت شناختی موثر بر افزایش طلاق از اهمیت بالاتری برخوردار هستند؟

جهت پاسخگویی به این سؤال از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول ذیل نشان داده شده است :

جدول تعیین اولویت عوامل زیست شناختی موثر در افزایش طلاق

ردیف	آماره متغیر	تعداد	میانگین رتبه ها	میانگین	خطای استاندارد
۱	تفاوت سنی	۱۵۹	۳/۴۶	۲/۶۰	۱/۱۲
۲	بیماری های جسمی همسر	۱۵۹	۳/۱۷	۲/۴۵	۱/۳۱
۳	ناباروری	۱۵۹	۳/۰۳	۲/۴۲	۱/۳۷
۴	معلولیت فرزندان	۱۵۹	۲/۶۸	۲/۰۹	۰/۹۷
۵	محیط طبیعی	۱۵۹	۲/۶۶	۲/۰۷	۱/۰۹

$$\chi^2=41/74$$

$$df=4$$

$$P < 0/001$$

نتایج نشان می‌دهد که بین عوامل زیست‌شناختی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر افزایش طلاق تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($\chi^2=41/74$ ، $P<0/001$). نتایج نشان می‌دهد که مهمترین عامل به ترتیب اولویت عامل تفاوت های سنی با میانگین رتبه (۳/۴۶)، بیماری های جسمی همسر با میانگین رتبه (۳/۱۷)، ناباروری با میانگین رتبه (۳/۰۳)، معلولیت فرزندان با میانگین رتبه (۲/۶۸) و محیط طبیعی با میانگین رتبه (۲/۶۶) بوده اند.

نتایج تحلیلی داده ها

طبق نتایج بدست آمده، کم ترین فراوانی سن پاسخگویان ۳/۸ درصد زنان ۱۵ تا ۲۰ ساله بوده و بیشترین فراوانی ۵۳ درصد زنان ۳۵ تا ۳۰ ساله بوده، بیشترین فراوانی ۵۷ درصد مربوط به زمانی بوده که تحصیلات زیر دیپلم داشتند و ۵۴/۷ درصد شاغل بودند. ۳/۱ درصد مربوط به زوجینی بود که درآمد آنان ۲ میلیون و بالاتر و بیشترین فراوانی ۴۱/۵ درصد مربوط به زوجینی بود که شاغل بودند.

طبق نتایج تحلیل داده ها بیشترین فراوانی ۳۵/۸ درصد مربوط به مدت ازدواج زیر ۵ سال و کم ترین فراوانی ۸/۲ درصد مربوط به ۱۵-۲۰ سال بوده اند و بیشترین فراوانی ۲۹/۶ درصد مربوط به افرادی که سن همسرشان بین ۳۰-۳۵ سال و کم ترین فراوانی ۳/۱ درصد سن همسرانشان بین ۱۵-۲۰ سال بوده اند.

طبق نتایج داده ها بیشترین فراوانی ۸۸/۷ درصد مربوط به افراد بومی استان و کم ترین ۱۱/۳ درصد مربوط به غیربومی بوده اند، و بیشترین ۶۲/۳ درصد مربوط به اختلاف سنی زیر ۵ سال زوجین و کمترین ۱/۳۰ درصد ۲۰ سال و بالاتر اختلاف سنی باهم داشته اند. و ۳۵/۸ درصد بدون نسبت فامیلی و ۷/۵ درصد اهل یک روستا بوده اند و از بین افرادی که نسبت فامیلی داشته اند بیشترین ۳۵ درصد دخترخاله و پسرخاله و کم ترین ۱۵ درصد دختر عمه و پسر دایی بوده اند.

در مورد وضعیت مالکیت محل سکونت ۶۱/۶ درصد ملکی و کم ترین ۳/۱ درصد سایر در کنار خانواده زندگی می کرده‌اند. و در مورد سابقه قبلی ازدواج بیشترین ۸۸/۱ درصد دارای سابقه قبلی ازدواج نبوده اند و کم ترین ۱۱/۹ درصد دارای سابقه قبلی ازدواج بوده اند.

همچنین طبق نتایج داده ها ۴۹/۱ مربوط به زوجینی که بدون فرزند و کم ترین درصد ۱۰/۱ دارای سه فرزند و بیشتر بوده اند.

از میان عوامل مؤثر در طلاق، عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و زیست‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت. بیشترین میانگین مؤثر مربوط به عوامل روان‌شناختی و بعد از آن با اختلافی ناچیز عوامل جامعه‌شناختی و کم ترین میانگین مؤثر مربوط به عوامل زیست‌شناختی بوده اند.

با توجه به تحلیل داده ها و یاته های پژوهش از میان عوامل جامعه شناختی ۸۳/۶ درصد زیاد و ۱۶/۴ درصد از پاسخگویان نسبت به عوامل جامعه شناختی کم ارزیابی کرده‌اند بنابراین اکثر پاسخگویان نقش عوامل جامعه شناختی بر افزایش طلاق را زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۹۲/۵ درصد از پاسخویان تأیید عوامل روان شناختی بر افزایش طلاق را زیاد و ۷/۵ درصد تأثیر عوامل روانشناختی بر افزایش طلاق را کم ارزیابی کرده‌اند. بنابراین می توان گفت اکثر پاسخگویان نقش عوامل روان شناختی بر افزایش طلاق را زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۱۴/۵ درصد تأثیر عوامل زیست شناختی را بر افزایش طلاق در سطح زیاد ارزیابی کرده‌اند و ۸/۵ درصد از پاسخگویان تأثیر عوامل زیست شناختی بر افزایش طلاق را کم ارزیابی کرده‌اند.

بنابراین اکثر پاسخگویان نقش عوامل زیست شناختی را بر افزایش طلاق کم ارزیابی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مهم ترین عامل به ترتیب اولویت عوامل روانشناختی، عوامل جامعه شناختی و عوامل زیست شناختی بوده است.

در پاسخ به این سؤال که کدام یک از عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق از اهمیت بالاتری برخوردار است. مهم ترین عامل به ترتیب اولویت عامل رسانه‌ها و شبکه های ماهواره ای، عامل عدم تناسب قومیتی، عامل شبکه های اجتماعی، اختلاف فرهنگی و خانوادگی، دخالت اطرافیان، عدم آزادی و اختیار، دوستی های نامتعارف، تفاوت سطح تحصیلات، مسئولیت سنگین زندگی و ازدواج سنتی در افزایش طلاق مؤثرند. در پاسخ به این سؤال که کدام یک از عوامل روان شناختی مؤثر بر افزایش طلاق از اهمیت بالاتری برخوردار هستند جهت پاسخگویی به این سؤال از آزمون فرید من استفاده شده است. مهم ترین عامل به ترتیب اولویت عامل اعتیاد به مواد مخدر، روابط قبل از ازدواج، عدم تفاهم زوجین، عدم درک متقابل زوجین، مشکلات روانشناختی، ویژگی های شخصیتی، عدم ناخت کافی و عدم ارتباطات خویشاوندی در افزایش طلاق مؤثرند و در نهایت در پاسخ به این سؤال که از عوامل زیست شناختی کدام مورد از اهمیت بالاتری برخوردار است مهم ترین عامل به ترتیب تفاوت های سنی، بیماری های جسمی همسر، ناباروری، معلولیت فرزندان و محیط طبیعی بوده است.

نتیجه‌گیری :

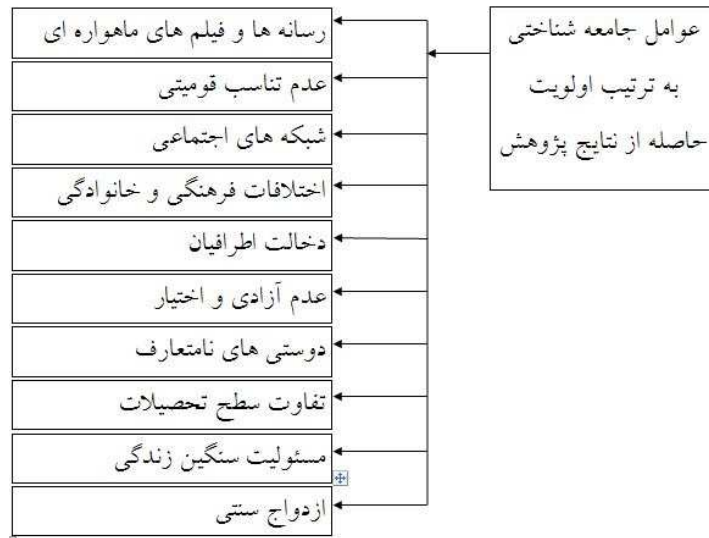
خانواده، طبیعی ترین و مشروع ترین واحد تولید مثل و فراگیرترین واحد اجتماعی به شمار می‌آید و نقش اصلی آن انتقال ارزش ها، پرورش نسل، ایجاد تعادل روانی، اجتماعی و عاطفی است پیدایش بحران ها و نابسامانی هایی همچون مرگ والدین، طلاق و ... می تواند نقش خانواده را کم رنگ و یا از بین ببرد. طلاق در

زمره غم انگیز ترین پدیده های اجتماعی است که آسیب ها و مشکلاتی که زوجین و خانواده های آنان قبل از طلاق و پس از آن متحمل می شوند و عوامل مؤثر بر بروز این پدیده از دیرباز مورد توجه و بررسی بوده است. متأسفانه مطالعات متعدد در کشور، نشان می دهد که آمار طلاق در حال افزایش است. طلاق علل متعددی دارد و هرگز یک علت را نمی توان علت اصلی طلاق در نظر گرفت. طلاق تبعات زیادی را در پی دارد که چنانچه بتوانیم از عوامل آن جلوگیری کنیم یا خللی در روند رو به رشد این عوامل داشته باشیم خواهیم توانست از عواقب منتخب طلاق رهایی یابیم. از این رو این تحقیق با هدف بررسی عوامل مؤثر در طلاق شهر بوشهر طی سالهای ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۳ در شهر بوشهر پرداخته است. بر اساس تحلیل پرسشنامه و با توجه به یافته های پژوهش از جداول توصیفی-تحلیلی نتایج چنین بدست آمده است. در این فصل یافته های پژوهش که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، بیان می شود سپس بر اساس یافته ها، در این راستا به سایر محققان پیشنهادهای نظری و کاربردی ارائه می گردد.

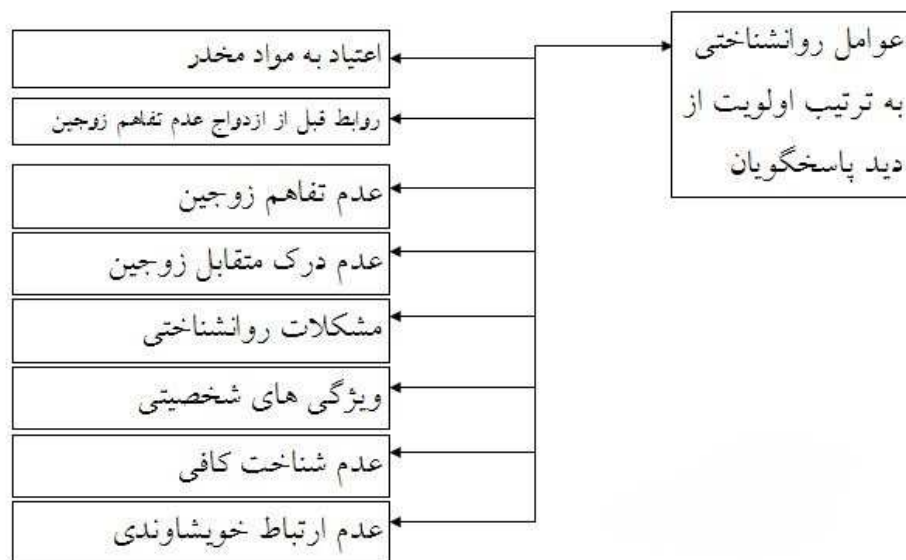
نتیجه ای که از استنباط و تحلیل داده ها به دست آمد، نشان داد که از بین عوامل مؤثر در طلاق شهر بوشهر عوامل روان شناختی، عوامل جامعه شناختی، و زیست شناختی مؤثر در طلاق بوده است و هر کدام تابع نظریه های خاص خود می باشد. نتایج بدست آمده در این تحقیق در راستای تحکیم مبانی نظری بکار رفته و نیز تأیید یافته های پژوهشی پیشین است سن فرد در زمان ازدواج: در این پژوهش بیشترین آمار طلاق در سنین ۲۵ تا ۳۰ سال با ۳۳/۳٪ رخ داده است، مطالبات مشابه در این خصوص (ناظر، طباطبایی، اسدالهی) (آقاجانیان، مقدس ۱۳۷۴) بنابر این عامل سن نمی تواند گزینه ی مناسب برای تحلیل آن در رابطه با عوامل مؤثر بر طلاق در شهر بوشهر باشد.

بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات دموگرافیک پاسخگویان نتایج ذیل حاصل شد، یافته نشان داد که مدت زمان سپری شده از ازدواج، نیز عاملی است که بر میزان درک و سازگاری زوجین با مشکلات و در نتیجه گرایش آنان به طلاق تاثیر می گذارد. نتایج حاکی از آن است که ۳۵/۸٪ از طلاق های مورد مطالعه در شهر بوشهر در فاصله ی کمتر از ۵ سال رخ داده است. یکی از دلایل احتمالی آن این است که طبعاً عواملی که در طول ۵ سال اول زندگی به طلاق منجر می شود با دلایلی که بعد از ۱۵ سال به این امر ختم می شود متفاوت اند. چه بسا دلیل تغییر ارزش ها و خواسته ها در طول زمان، برخی مشکلات در اوایل زندگی مشترک و برخی هم در طول دوره ی زندگی اتفاق می افتد بنا بر این با افزایش مدت زمان زندگی مشترک میزان رضایت زندگی زناشویی آن ها افزایش پیدا می کند. مطالعات مشابه متعدد (فاتحی دهقانی، نظری: ۱۳۸۹) (رستگاری ۱۳۹۰) به نتایجی در زمینه ی شانس کمتر زوج هایی که مدت ازدواج آن ها زیر ۵ سال است، دست یافتند.

نتایج بدست آمده بشرح جدول ذیل:

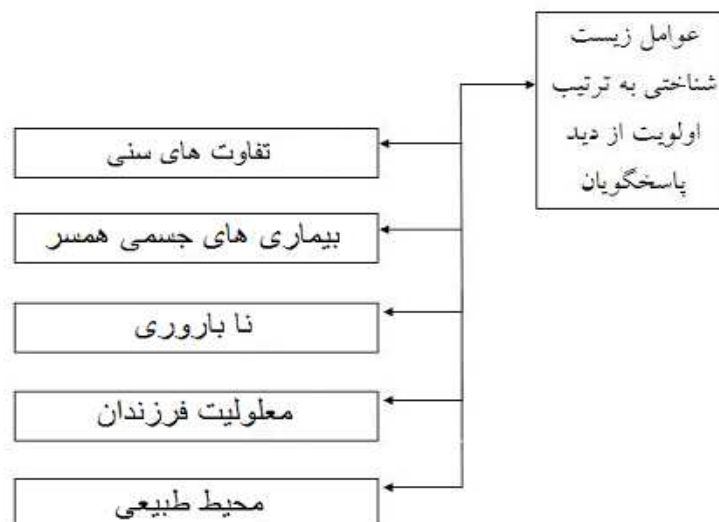


همچنین به ترتیب اولویت عوامل روان شناختی مؤثر در افزایش طلاق در مدل تحلیلی ذیل آورده شده است:



و در نهایت به ترتیب اولویت عوامل زیست شناختی مؤثر در افزایش طلاق طبق مدل تحلیلی ذیل آورده

شده است :



طبق نتیجه تحقیق مهمترین عامل تاثیر گذار بر نرخ طلاق در شهر بوشهر رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای می‌باشد. عامل مذکور نابسامانی اجتماعی و روند تغییرات ارزشی را شدت بخشیده است. این امر موید اعتبار نظری و تجربی نظریه‌ی کاشت مبنی بر نقش رسانه‌ها در شکل دهی به عقاید، نگرش و رفتار مخاطبان است. این مسئله گویای نقش عمده‌ی عوامل فرهنگی در گرایش زوجین به طلاق است که بدلیل مرزی بودن این منطقه و به نابسامانی اجتماعی و تغییرات ارزش‌ها نشأت گرفته از شدت گرفته است به عبارتی دیگر می‌توان گفت که رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای موجب بروز ارزش‌های لذت طلبی ابزار گرایی و تغییرات ارزشی می‌باشند از آنجا که رسانه‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای مهم‌ترین عوامل طلاق می‌باشد بنابراین از دیدگاه نظریه کاشت می‌توان فرض کرد کسانی که مصرف رسانه‌ای بیشتری دارند، تمایل بیشتری به تغییر به سبک زندگی نمایش داده شده در تلویزیون و دیگر رسانه‌های دیداری - شنیداری - خواهند داشت و همین باعث تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها و ایجاد ناهنجاری شده است که باعث گرایش بیشتر زوجین به طلاق در شهر بوشهر گشته است. چنین شرایطی باعث سست شدن روابط انسانی و شکنندگی و آسیب پذیری کنش‌های ارتباطی در بین اعضای جامعه به ویژه زوج‌های جوان شده است. بی دلیل نیست که در پی ضعیف شدن ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ بومی و سنتی منطقه، طلاق قبح اجتماعی خود را از دست داده است. بنابراین استفاده از کانال‌های ماهواره‌ای تاثیر مستقیمی بر گرایش طلاق در شهر بوشهر شده است. می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از کانال‌ها و شبکه‌های ملی رابطه‌ی معکوس با گرایش به طلاق داشته است با توجه به نظریه‌ی کاشت می‌توان نتیجه گرفت کسانی که مصرف رسانه‌ای بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که مصرف رسانه‌ای کمتری دارند

به سبک های زندگی نمایش داده شده در تلویزیون و دیگر رسانه های دیداری و شنیداری تمایل بیشتری خواهند داشت یا فته ی مذکور موید مطالعات (قادرزاده ، حسن پناه ، ۱۳۹۱) بوده است.

دومین عامل از نظر رتبه بندی عامل اعتیاد به مواد مخدر می باشد. اعتیاد یکی از زوجین به نوبه ی خود بستری مناسب برای رشد فساد و از هم پاشیدن خانواده ، بی بندوباری و عدم ارضای نیازهای همسر و فقر مالی را فراهم می آورد . موارد فوق باعث از بین رفتن نظم و انضباط و هرج و مرج در کانون خانواده می گردد. چه بسا بسیاری از رفتارهای همسر معتاد به خصوص مردان در چنین حالات و موقعیت هایی ریشه در فشارهای روانی ناشی از استفاده از این مواد را دارد. پشتوانه نظری این عامل نظریه سیستمی خانواده می باشد. برطبق این نظریه طلاق می تواند در نتیجه اختلال در روابط خانواده باشد. بنابراین مصرف این مواد می تواند باعث بروز خشونت کلامی و فیزیکی از سوی همسر شود ، که خود در نهایت می تواند رابطه ی مستقیمی با بروز پدیده ی طلاق داشته باشد .

عامل سوم از دیدگاه پاسخ گویان عدم تناسب قومیتی بوده است. با توجه به نظریه ی همسان همسری که استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی های همسان میان زن و شوهر میدانند معتقد است که همسانی میان دو فرد ، نه تنها آنان را بسوی یکدیگر جذب می کند بلکه پیوند وصلت آن ها را استوار تر می سازد . در تحقیق حاضر این نتیجه بدست آمده که هر چه میزان عدم تناسب قومیتی زوجین بیشتر باشد میزان گرایش آنان به طلاق نیز افزایش می یابد این یافته های پژوهش حاضر نیز در راستای پژوهش های پیشین بوده است و نتایج بدست آمده در راستای تحقیقات نیز مانند : (قدسی ، بلادی ، عیسی زاده ۱۳۹۰) ، (قطبی هلاکویی نایینی ، جزایری) ، (رحیمی ۱۳۸۱) مورد تایید قرار گرفته است.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در طلاق شبکه های اجتماعی است که پشتوانه ی آن نظریه ی کاشت می باشد . شهر بوشهر نیز مانند سطح کلان جامعه ایرانی در حال گذار از فرهنگ سنتی به مدرن و در نتیجه تجربه تضاد سنت و مدرنیته است. تضاد برخی عناصر سنتی آن در تقابل با عناصر مدرن قرار دارد. متأسفانه عدم آشنایی و فرهنگ سازی در ارتباط با استفاده از علوم و تکنولوژی روز که می تواند راه گشای خیلی مشکلات باشد بخاطر عدم شناخت کافی و انحراف از استفاده ی صحیح از آن به عنوان یکی از عوامل مهم و مؤثر طلاق در شهر بوشهر قرار گرفته است بنابراین ، با توجه به سرعت این تبدیل ها و تحولات ، تضاد و جا به جایی ارزش های درون خانواده طبیعی و در آینده حتی چشم گیر تر خواهد بود. در پژوهش حاضر نیز نظیر پژوهش انجام شده توسط (قادر زاده، حسن پناه ۱۳۹۱) مورد تایید قرار گرفته است.

عدم تناسب فرهنگی یکی دیگر از عوامل مؤثر در طلاق شهر بوشهر از دید پاسخگویان بوده است. پشتوانه نظریه این عامل، نظریه همسان همسری و قشربندی اجتماعی است. بر اساس نظریه قشربندی اجتماعی خانواده هایی که از نظر فرهنگی با یکدیگر تناسبی ندارند توان هم نوایی و سازگاری با تغییرات دگرگونی سریع را نداشته و دچار تعارض اجتماعی می شود. در چنین شرایطی ناسازگاری های زناشویی شکل گرفته و طلاق رخ می دهد. نظریه ی همسان همسری نیز نا همسانی میان دو همسر را سر چشمه کشمکشهای خانوادگی می داند و احتمالاً زوجین از هم جدا می شوند. این یافته پژوهش حاضر نیز در راستای راستای پژوهش های پیشین بوده است و نتایج بدست آمده در سایر تحقیقات (رستگاری ۱۳۹۰) (صادق پور) (ناظر، طباطبایی، اسدالهی) (کاملی ۱۳۸۶) (دانش وهمکاران ۱۳۷۰) مورد تأیید قرار گرفته است.

عامل بعدی مؤثر دخالت بی جای اطرافیان در زندگی زناشویی زوجین می باشد. بر اساس نظریه ی شبکه هرچه دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی بیشتر باشد گرایش آنان به طلاق نیز افزایش می یابد. این یافته پژوهش با نظریه ی (محمدی) (زنگنه ۱۳۷۹) (رحیمی ۱۳۷۹) مشابه است.

عدم آزادی و اختیار در انتخاب همسر یکی دیگر از مواردی است که باعث ایجاد اختلال از جانب والدین قبل از شروع زندگی زناشویی می شود. پشتوانه نظری این عامل نظریه سیستمی خانواده می باشد. این یافته نظری نیز توسط سایر محققان پیشین (ناظر، طباطبایی، اسدالهی) مورد تأیید قرار گرفته است.

دوستی های نامتعارف و روابط قبل از ازدواج نیز به عنوان عاملی که باعث اختلال در روابط زوجین می شود در طلاق مؤثر بوده است و باعث از هم گسیختگی خانواده می شود و میزان نابسامانی خانواده را افزایش می دهد. پشتوانه نظری این عامل نظریه سیستمی خانواده می باشد. این نظر با سایر تحقیقات پیشین که توسط (سوت و لیوود ۱۹۹۵) انجام شده است مورد تأیید قرار گرفته است.

عدم درک متقابل زوجین عامل دیگری است که از نظر پاسخ گویان مؤثر در طلاق شناخته شده است. پشتوانه نظری این عامل نظریه مبادله اجتماعی است. در واقع رفتار هر یک از زوجین تحت تاثیر پاداشهایی که می گیرد و هزینه هایی که در بر دارد، تغییر می کند. از دیدگاه این نظریه عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین منجر به احساس بی عدالتی و نابرابری در مبادله می گردد و در نهایت منجر به گسست روابط متقابل زوجین می شود. برای مثال زمانی که هر یک از زوجین هزینه های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی نمایند این شخص به رابطه مذکور خاتمه خواهد داد. در واقع پنداشت فرد از سود و زیانی که در زندگی زناشویی خود به دست می آورد اهمیت پیدا می کند. این نکته نیز در پژوهش های (رنجبر، صابری، زندی، بالدرلو، مردانی)، (آقاجانیان، پایدار) مورد تأیید قرار گرفته است.

در پایان یادآور می شویم که عوامل: مشکلات روانشناختی، تفاوت سطح تحصیلات، عدم شناخت کافی، تفاوت های سنی، بیماریهای جسمی همسر، ناباروری، مسئولیت سنگین زندگی، معلولیت فرزندان، محیط طبیعی، ازدواج سنتی و عدم ارتباط باشبکه خویشاوندی تاثیر کم تری در بروز طلاق در شهر بوشهر دارند. اما برای مشخص شدن موثرترینعامل طلاق در شهر بوشهر پس از بررسی های اطلاعات بدست آمده از آزمون رگرسیون چند گانه به این نتیجه رسیدیم که متغیر میزان رسانه ها و فیلم های ماهواره ای، اعتیاد به مواد مخدر، عدم تناسب قومیتی، شبکه های اجتماعی، اختلاف فرهنگی و دخالت بی جای اطرافیان به ترتیب قویترین عوامل موثر در طلاق در شه بوشه بوده است. بنابراین بر اساس یافته های فوق عوامل تاثیر گذار حاصل از یافته های پژوهش، قابل تسری به نظریه کاشت همسان همسری، مبادله اجتماعی، قشر بندی اجتماعی و نابسامانی اجتماعی می باشد.

پیشنهاد های نظری

- ۱- برنامه ریزی برای بالا بردن سطح کیفی و کمی فیلم ها، سریال ها، درجهت تشویق افراد به استفاده از شبکه های ملی.
- ۲- بالا بردن آگاهی والدین نسبت به این امر که ازدواج تمی تواند راه حل مناسبی برای درمان اعتیاد فرزند معتادشان باشد.
- ۳- ایجاد الگوهای تعاملی جدید برای هر زوج درجهت نزدیک تر شدن به اهداف همسان همسری.
- ۴- تقویت نقش حمایتی والدین افراد برای ارتقاء سلامت روان و کیفیت زندگی زوجین جوان.

پیشنهاد های عملی

- ۱- تولید برنامه های رسانه ای به منظور بالا بردن پایبندی دینی زوجین و بالا بردن میزان اطلاعات زناشویی آن ها از حقوق و مسولیت های زناشویی در سطوح مختلف
- ۲- ایجاد پایگاه های ترک اعتیاد مختص جوانان در آستانه ازدواج و ارائه ی مدرک گواهی سلامت به دفاتر ازدواج جهت ثبت عقد ازدواج
- ۳- کمک به برخورداری زوجین از رشد اجتماعی و اخلاقی از طریق آموزش های عمومی رسانه های دیداری و شنیداری در تامین بهداشت روانی اعضای خانواده با توجه به هنجارهای اجتماعی و اخلاقی.
- ۴- بالا بردن سطح فرهنگ استفاده از شبکه های اجتماعی از طریق آموزش توسط صدا و سیما.

- ۵- برگزاری کلاسهای آموزش خانواده هم زمان با آزمایشات قبل از ازدواج و اجباری کردن شرکت در این کلاسها جهت صدور گواهی به دفاتر ازدواج.
- ۶- تشکیل یک کارگروه تخصصی در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی جهت تحقیق راجع به مقوله طلاق در هر شهرستان و مرکز استان بوشهر با توجه به عوامل مؤثر در آن شهرستانها.
- ۷- برگزاری دوره های آموزش حقوقی در زمینه شناخت حقوق طرفین نسبت به هم با زبان ساده برای همسران با استفاده از منابع غنی اسلامی مانند صحیفه سجادیه و، نهج البلاغه در کانون های فرهنگی، پایگاههای بسیج یا مسجد در هر منطقه
- امید است با استفاده از دیدگاه کارشناسان و یافته های پژوهشگران، بیش از پیش شاهد افزایش آمار نگران کننده ی طلاق در جامعه اسلامی نباشیم.

منابع

- آذربایجانی، مسعود و دیگران، (۱۳۸۲)، روانشناسی اجتماعی، با نگرش به منابع اسلامی، انتشارات سمت.
- آینده بان، (۱۳۹۳)، گزارش سایت آینده پژوهی ایران
- سحاقی، محمد، محبی، سیده فاطمه، پروین، ستار، محمدی، فریبرز، (۱۳۹۱)، سنجش عوامل اجتماعی مؤثر درخواست طلاق زنان در شهر تهران، زن در توسعه و سیاست، شماره ۳.
- پروین، ستار، داودی، مریم، محمدی، فریبرز، (۱۳۹۱)، عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده های تهرانی، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۶
- خواجه نوری، بیژن، (۱۳۹۰)، سبک زندگی و مدیریت بدن، فصل نامه جامعه شناسی زنان.
- جلیلیان، زهرا، (۱۳۷۵)، عوامل مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
- زارعی محمودآبادی، حسن، و همکاران، (۱۳۹۱)، پیشگیری از طلاق و جدایی (مفاهیم، نظریه ها و کاربردها) مدل بومی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه یزد.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، ناشر: سروش
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۶)، طلاق-پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، دانشگاه تهران.
- سالاری فر، محمدرضا، (۱۳۸۹)، همسرگزینی در اندیشه دینی، کتاب زنان، شماره ۲۵
- سالاری فر، محمدرضا، شجاعی، محمد صادق، موسوی اصل، سیدمهدی، دولتخواه، محمد، (۱۳۸۹)، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. سلام و روانشناسی، قم، نشر سمت و پژوهش گاه حوزه و دانشگاه
- عیسی زاده، عیسی، (۱۳۹۰)، خانواده قرآنی (ویژگی ها، وظایف اعضای آن)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم.

- قادرزاده، امید، قادرزاده، هیرش، حسن پناه، حسین، (۱۳۹۱)، عوامل پیش بینی کننده گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی، فصلنامه مشاوره و روان درمانی، شماره ۱.
- قهاری، شهربانو، بوالهروی، جعفر، (۱۳۹۲)، مشاوره طلاق، انتشارات قطره.
- گل محمدی، هوشنگ، (۱۳۹۰)، طلاق قضایی و آرای دیوان عالی کشور، انتشارات حقوقی.
- مختاری، (۱۳۹۰) بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج
- محمودی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱)، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا.
- مهدوی، محمد صادق، (۱۳۷۷)، بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران. نشر دانشگاه شهیدبهبشتی
- میلانی فر، بهروز، (۱۳۷۲)، بهداشت روانی، نشر قومس